

برداشت و خلاصه سخنرانی
دکتر سید محمود کاشانی

چالش‌های عمل و نظری سیستم‌دیده

مجتبی لطفی
(پژوهشگر)



معرفی:

دکتر سید محمود کاشانی متولد ۱۳۲۱ تهران. وی در سال ۱۳۵۰ از دانشگاه تهران دکتری حقوق خصوصی گرفت و از سال ۱۳۵۱ تاکنون عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد. محمود کاشانی داور ارشد جمهوری اسلامی ایران در دیوان داوری ایران و ایالات متحده آمریکا، برای حل و فصل دعاوی میان دو دولت و اتباع دولت آمریکا علیه ایران در سال‌های ۱۳۵۹ تا پایان ۱۳۶۳ در لاهه - هلند بوده است. ایشان چهار دوره عضویت در هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکزی از سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ و از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ را بر عهده داشته است. دکتر کاشانی به تدریس در رشته‌های حقوق مدنی، حقوق مدنی تطبیقی و داوری بین‌المللی مشغول است. از وی ۴۵ عنوان کتاب و مقاله حقوقی و تاریخ معاصر ایران را به تالیف در آورده‌است.

اشاره

قواعد و قوانین حقوقی بشر در طول تاریخ، راهکارهایی است برای جبران آسیب‌های بدنی و این قواعد حقوقی، ثابت نبوده و تغییرپذیر بوده‌اند که در حقیقت، تغییرپذیری و تکامل آن، مبتنی بر پیشرفت دانش‌های بشری و مقتضیات زمان است و بر این اساس پاسخگوی نیازهای جوامع امروزی می‌باشد.

اندیشمندان بزرگی مثل جان لاک، هابز، منتسکیو و دیگران نظریاتی در درباره آزادی، جان انسان، مالکیت و حق ایستادگی در برابر ستمگری را چهار حق از حقوق ذاتی انسان برشمردند. این حقوق در اعلامیه حقوق بشر و شهروند در سال ۱۷۸۹ میلادی در مجلس ملی فرانسه و با ماده عملیاتی‌تر شد و امروز هم در مقدمه قانون اساسی فرانسه به کار رفته است. این تحول تاریخی باعث شد که اندیشه‌های جدید حرمت و حیثیت انسانی درباره انسان به کار رود و حق رأی و حاکمیت آراء مردم، به رسمیت شناخته شود چیزی که در اصل ششم و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده و می‌گوید در همه موارد اداره کشور باید بر اساس آرای عمومی باشد.

این تحولات در کشور ما هم به وجود آمده و قانون‌گذاری‌هایی که بعد از مشروطیت در ایران شده، ناشی از دست‌آوردهای تمدن بشری است که به تدریج وارد ایران شد. عالمان دینی موردی را که خلاف اصول اجتهادی می‌دیدند، معترض بودند مانند مرحوم آیت‌الله بروجردی که با اصلاحات ارضی و سلب مالکیت که موجب فرو ریختن شیرازه کشاورزی ایران بود، مخالفت کرد، در عین حال به قانون جزای عرفی ۱۳۰۴ هیچ یک از علما و مراجع در تهران و قم و نجف، اعتراضی نکردند و هنوز شیرازه قوانین کیفری ما همان قانون ۱۳۰۴ خورشیدی است که البته مع الأسف به استثنای این واپس‌گرایی‌هایی که به آن اضافه شده! پس از تصویب قانون مدنی در کشور سال ۱۳۰۷ و ۱۳۱۴ به تدریج

الف) نظام تاریخی دیه

بحث مهم، موضوع نظام تاریخی دیه است چرا که غالباً گفته می‌شود پاره‌ای از احکام، جنبه امضائی دارد؛ بر این اساس باید دید سابقه دیات به چه زمانی برمی‌گردد. از جمله، نخستین قانونی که در اختیار بشر و حقوقدانان هست، قانون حمورابی است که در یک ستون سنگی از بین النهرین به دست آمد و مربوط به ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است. در تورات و در

حقوق رم، ۴۵۰ سال پیش از میلاد مسیح، الواح دوازده‌گانه که از سوی امپراطوری رم باستان تدوین گردیده، و همچنین «قانون سالیک» که مربوط به ساکنان شمال فرانسه کنونی و مربوط به ۴۲۰ سال قبل از میلاد مسیح؛ قانون دیه وجود دارد. بنابراین، اگر سیستم دیه در فقه وارد شده، به این دلیل است که در بخش‌هایی از جزیره العرب که تابع حقوق رم بوده‌اند، این سیستم وجود داشته و ادامه یافته است.

ب) چالش‌ها و تحولات نظری سیستم دیه

تحولات رخ داده در سه قرن اخیر باعث فرو ریختن بسیاری از موازین و قوانین عهد کهن شده است، چنانکه

■ **رئیس قوه قضائیه صلاحیت‌های مشخصی در قانون اساسی دارد که در آن به رئیس قوه قضائیه اجازه داده نشده که رقم دیه را تعیین کند. رئیس قوه قضائیه، مقام قضائی هم نیست چون هیچ پرونده‌ای به او ارجاع نمی‌شود.**



کمیوهای آن برطرف و قانون مسؤلیت مدنی در سال ۱۳۳۹ تصویب شد. این قانون دستاورد حقوق کشورهای متمدّن را وارد قانون ایران کرد. در ماده ۱ این قانون آمده: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». در آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۵۲، در ماده ۹ ضرر و زیان را تعریف کرد: «ضرر و زبانی که قابل مطالبه است به شرح ذیل می‌باشد: ۱. ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است. ۲. ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی. ۳. منافی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم می‌شود». با عنایت به قواعد جهانی مسؤولیت، بجای سیستم دیه؛ هر گونه ضرر و زیان جسمی و روانی اعم از اجزای درونی یا ظاهری و هزینه‌های پزشکی باید پرداخت شود. به ویژه با پیشرفت دانش پزشکی باید این دانش در کنار حقوق در جهت برقراری عدالت قرار گیرد.

ج) تصویب آزمایشی لایحه دیات و دو ایراد

قوانین لایحه مربوط به دیات در سال ۱۳۶۱ از سوی

شورای عالی قضائی در اختیار دولت، و سپس به مجلس داده شد. مجلس، به صورت آزمایشی در ۲۴ آذر ۱۳۶۱، ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ برای چندمین بار، به صورت آزمایشی تصویب شد و در حقیقت به مدت ۳۵ سال سیستم دیه در کشور در حال اجراست. این مصوبه و یا این سیستم دیه علاوه بر این که جایگاهی در تاریخ حقوق ایران نداشته است؛ ایراداتی دارد:

۱- در فاصله تمدیدهای پنج‌ساله، مواردی وجود داشته که دوره پنج سالش سپری شده و هیچ قانونی

وجود نداشته ولی این قوانین اجرا می‌شده؛ یعنی خلاف اصول قانون اساسی عمل می‌شده است.

۲- اجرای آزمایشی لایحه‌ای به این اهمّیت، به مدت ۳۵ سال! خلاف قانون اساسی است. اصل ۸۵ قانون اساسی می‌گوید: «سمت نمایندگی، قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگر نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیون‌های داخلی مجلس و به کمیسیون قضایی واگذار کند». موارد ضروری یعنی یک چیز فوری و فوری که فرصت بحث درباره‌اش در جلسه علنی وجود ندارد، به

■ **جامعه ایرانی هم نباید از این نوآوری‌ها محروم بماند و هر تلاش و اقدامی که به دستاویز اجرای شرع یا فقه؛ موجب واپس‌گرایی بشود در حقیقت، ظلمی است که به شریعت وارد می‌شود و جامعه را از حقوقی که دارد، محروم می‌کند.**



کمیسیون قضائی بدهند و به صورت آزمایشی تصویب کنند. با وجود قوانین قبل از مشروطیت که می‌توانسته اجرا شود تا مجلس به آن رسیدگی کند، ضرورتی در کار نبوده است.

(د) معنای دیه و اقسام آن

دیه به معنای خون‌بهاست و یعنی ما یک دیه نفس و یک دیه اعضا داریم. ماده ۲۹۴ قانون دیات می‌گوید: «دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیای دم او داده می‌شود.» این یک تعریف فقهی است. واژه دیه یا به معنای خون‌بها هم در ادبیات فارسی و هم در حقوق کشورهای دیگر آمده است.

ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی، شش قلم شامل شتر، گاو، گوسفند و... غیره را به عنوان اقسام دیه تعیین و تصریح کرده که انتخاب هم به عهده جانی است. این یک حکم فقهی است. اولین چالش نسبت به معیارهای فقهی این است که سخن از این به میان آورده‌اند

که در صورت تراضی طرفین یا تعدّر، قیمت داده بشود. مشکل تحویل عین اقسام شش‌گانه از معضلاتی بود که باعث شد به سوی قیمت معادل آنان بروند. بعد از مدتی که دیدند این کار اصلاً معنا و مفهوم ندارد، تعیین رقم ریالی دیه به عهده رئیس قوه قضائیه نهاده شد. ولی همین نیز خلاف قانون اساسی است. رئیس قوه قضائیه صلاحیت‌های مشخصی در قانون اساسی دارد که در آن به رئیس قوه قضائیه اجازه داده نشده که رقم دیه را تعیین کند. رئیس قوه قضائیه، مقام قضائی هم نیست چون هیچ پرونده‌ای به او ارجاع نمی‌شود.

(و) چالش‌های عملی در سیستم دیه

۱. خسارت زاید بر دیه: اصولاً دیه تعرفه‌ای برای بدن و اعضای بدن انسان است؛ یعنی بدن انسان را در طول تاریخ مثل دیگر اموال و حیوانات، یک بها برایش قائل شده‌اند و گفته‌اند هر خسارتی که موجب قتل گردد، باید

■ **جنایت در ماه‌های حرام باعث تغلیظ دیه می‌شود و این در حقیقت از اوضاع و احوال قبیله‌ای عربستان سرچشمه می‌گرفته که دائماً در حال جنگ و جدال بوده‌اند لذا گفته‌اند در ماه‌های حج، این جنگ و جدال و قتل متوقف شود؛ در حالی که در کشوری مثل ایران از اوّل فروردین تا پایان اسفند، هر گونه نزاع و خشونت ممنوع است و احیای عرف‌های دوران جاهلیت در ایران، واقعاً کار ناروایی است.** ■



■ این که ديه زن نصف
دين مرد باشد،
خلاف نصّ اصل ۱۹ و
۲۰ قانون اساسی و
توهين به شرافت
آدمی و اجتهاد
جمهوری اسلامی
است. ■



■
تحمیل
دیه بر عاقله،
از عرف‌های
جاهلیت بوده
و این‌که
بستگان مقتول
سراغ
بستگان قاتل
بروند، گرفتار کردن
محکوم له
و زیان‌دیده
است و قطعاً
امروز جایگاهی
ندارد.
 ■

دیه کامل داده بشود و اگر خسارتی به اعضا دست، پا و غیره وارد بشود، بخشی از دیه باید داده بشود. اما بحث دیگر هزینه‌های پزشکی مجنی‌علیه است که آیا متضرر از جرم، حق دارد آن را مطالبه کند یا نه؟ به این «خسارات زائد بر دیه» می‌گویند که از نظر مبانی فقهی، هیچ جایگاهی ندارد چون بدن انسان و اعضای او یک تعرفه ثابت دارند و زائد بر آن، معنا ندارد. اما رأی‌ی که در سال ۱۳۷۵ از هیأت عمومی دیوان عالی کشور صادر شد، تأکید کرد که خسارات زائد بر دیه، قابل مطالبه است و دادگاه‌ها باید حکم بدهند. اداره حقوقی قوه قضائیه هم در همین زمینه در سال ۱۳۸۳، اظهار نظر کرد و به این ترتیب با پرداخت خسارات زائد بر دیه، دیگر مفهوم دیه عملاً از بین رفت.

۲. دیه اعضای درونی بدن: در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، اعضای ظاهری بدن انسان را شمرده اما در مورد اجزای درونی، قانونی نیامده است. خسارتی که به کلیه، کبد، روده، معده، نخاع و مغز انسان وارد می‌شود را چگونه باید تقویم و پرداخت کرد؟ در سیستم دیه، عنوان «ارش» وجود دارد. در پیشینه فقهی، ارش را چگونه تعیین می‌کردند؟ محقق حلی مؤلف شرایع در این مورد می‌گوید: «العبد اصلٌ للحرّ فیما لا تقدیر فیہ» یعنی برای این‌که میزان ارش تعیین بشود، انسان آزاد را باید برده تلقی کنند و بعد بر اساس قیمت برده آسیب‌دیده به نسبت او به این فرد آزاد و حر خسارت

پرداخت کنند. این فرمولی بوده که در طول تاریخ فقه و پیش از آن درباره اجزای درونی انسان به کار می‌رفته. اگر بخواهیم سیستم دیه را بر اساس موازین فقهی به کار ببریم، باید یک بازار برده‌فروشی هم دائر کنیم که ببینیم قیمت برده چقدر است در حالی که بردگی گرچه در طول تاریخ بشر، یک قاعده مسلّم و گریزناپذیر بوده، اما کنوانسیون منع بردگی در جهان تصویب شد و در مجلس ایران در ۱۳۱۰ قانون لغو بردگی به تصویب رسید و با این‌که برده‌داری جزء نصوص بود ولی هیچ یک از فقها و مراجع عظام ایرادی به لغو آن نگرفتند. اما نویسندگان لایحه دیات یک ابداع کردند و گفتند: «در کلیه مواردی که به موجب این قانون ارش منظور گردیده با در نظر گرفتن دیه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت، میزان خسارت وارده طبق نظر کارشناس تعیین می‌شود». در حالی که هیچ معیار و ملاکی برای کارشناسی وجود ندارد.

۳. تغلیظ دیه در ماههای حرام: جنایت در ماه‌های حرام باعث تغلیظ دیه می‌شود و این در حقیقت از اوضاع و احوال قبیله‌ای عربستان سرچشمه می‌گرفته که دائماً در حال جنگ و جدال بوده‌اند لذا گفته‌اند در ماه‌های حج، این جنگ و جدال و قتل متوقف شود؛ در حالی که در کشوری مثل ایران از اول فروردین تا پایان اسفند، هر گونه نزاع و خشونت ممنوع است و احیای عرف‌های دوران جاهلیت در ایران، واقعاً کار ناروایی است.

۴. تنصیف دیه زن: این‌که دیه زن نصف دین مرد باشد، خلاف نصّ اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی و توهین به شرافت آدمی و اجتهاد جمهوری اسلامی است. در جمهوری اسلامی ایران به زنان حق رأی داده شد در حالی که در صدر مشروطیت، زنان حق رأی نداشتند. بانوان الآن در مجلس شورای اسلامی، قانون‌گذارند، زنان در کسوت قضا انجام وظیفه می‌کنند، نیمی از وکلای دادگستری ایران، بانوان هستند. حالا بگوییم دیه زن نصف مرد است؟ این واقعاً با کدام منطق و خردی تطبیق می‌کند؟ آیا درد و رنجی که به زن وارد می‌شود، نصف مرد است؟ آیا هزینه‌های درمانی او نصف مرد است؟

۵. دیه بر عاقله: تحمیل دیه بر عاقله، از عرف‌های جاهلیت بوده و این‌که بستگان مقتول سراغ بستگان قاتل بروند، گرفتار کردن محکوم له و زیان‌دیده است و قطعاً امروز جایگاهی ندارد.

در نتیجه:

این سیستم دیه ستم بزرگ به مردم و به آسیب‌دیدگان است، آسیب به حیثیت جهانی کشور ما در جامعه جهانی است و باعث افزایش سرسام‌آور حوادث رانندگی و غیره شده به طوری که در سال ۸۹، بیست هزار کشته در جاده‌ها داشته‌ایم. در زلزله اخیر، کشته‌ها به پانصد نفر رسید، چه رقم بزرگی است ولی بیست هزار نفر در سال ۸۹ کشته شدند ولی صدایش در جایی بلند نمی‌شود که مسؤول این اوضاع غم‌انگیز در جاده‌های کشور کیست؟ دولت‌ها هم خودشان را پشت این قوانین پنهان می‌کنند و فقط به این بسنده می‌کنند که رئیس قوه قضائیه، رقم دیه را این قدر تعیین کرده و لا غیر و دفتر را می‌بندند. در اتحادیه اروپا، شورای وزیران اتحادیه اروپا قطعنامه‌ای در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۷۵ صادر کرده که در کلیه

کشورهای اروپایی، این قطعنامه شورای وزیران اجرا می‌شود که درباره صدمات بدنی، دادگاه‌ها به چه ترتیب باید رأی بدهند. جامعه ایرانی هم نباید از این نوآوری‌ها محروم بماند و هر تلاش و اقدامی که به دستاویز اجرای شرع یا فقه؛ موجب واپس‌گرایی بشود در حقیقت، ظلمی است که به شریعت وارد می‌شود و جامعه را از حقوقی که دارد، محروم می‌کند، از عدالت محروم می‌کند و بسیار دریغ است که اینها به پای فقه یا شریعت نوشته بشود و اجتهاد که در واقع، سرمایه فقهای بزرگوار شیعه است، به طاق نسیان سپرده بشود. پیشنهاد من این است که قوانین مسؤلیت مدنی احیا بشود و نوآوری‌های جدید به وجود بیاید تا جامعه ایرانی از عدالت حقیقی برخوردار شود.

